



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

راه حل‌ها برای مسائل اجتماعی

درس‌های برگرفته از سایر جوامع

استانالی آیتزن - کریگ لیدهام

مترجمان: سید ضیاء هاشمی

معصومه ایزدبین

هوالصارق

• راه‌حل‌هایی برای مسائل اجتماعی

(درس‌های برگرفته از سایر جوامع)

استانلی آیتزن

کریگ لیدهام

مترجمان: سید ضیاء هاشمی

معصومه ایزدبین



سرشناسه	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
عنوان و نام پدیدآور	راه‌حل‌هایی برای مسائلی اجتماعی (درس‌های برگرفته از سایر جوامع) / [ویراستاران] استانیلی آیتزن، کریگ لیدهام؛ مترجمان سیدضیاء هاشمی، معصومه ایزدبین؛ ویراستار پروین حاجی‌پور.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۳۵۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۴۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	عنوان اصلی: Solutions to social problems : lessons from other societies , c2004.
موضوع	مسائل اجتماعی
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایالات متحده
موضوع	سیاست اجتماعی
شناسه افزوده	آیتزن، استنلی دی.، ویراستار
شناسه افزوده	لیدهام- گرین، ای.اس.، ویراستار
شناسه افزوده	هاشمی، سیدضیاء، ۱۳۴۶ -، مترجم
شناسه افزوده	ایزدبین، معصومه، مترجم
رده بندی کنگره	HN۱۷/۵
رده بندی دیویی	۱۰۹۷۳/۳۶۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۷۲۶۷۸

عنوان: راه‌حل‌هایی برای مسائل اجتماعی (درس‌های برگرفته از سایر جوامع)
 نویسنده: استانیلی آیتزن و کریگ لیدهام
 مترجمان: سید ضیاء هاشمی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) و معصومه ایزدبین
 ویراستار: پروین حاجی‌پور
 طراح جلد: فاطیما وفا
 صفحه‌آرایی: حسین آذری
 نوبت چاپ: اول- بهار ۱۳۹۹
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۴۷-۲



همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
 در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

هائل و آیب های اجتماعی (۸)

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱
پیشگفتار	۳
مقدمه مترجمان	۵

بخش اول: مقدمه

فصل ۱. بررسی مسائل اجتماعی ایالات متحده با رویکرد تطبیقی	۹
فصل ۲. کانادا: ملتی ملایم‌تر و مهربان‌تر	۲۵
فصل ۳. علایجی برای مشکلات اجتماعی [سوئد: یک دولت رفاه اجتماعی]	۴۳

بخش دوم: مسائل نابرابری

فصل ۴. چرا سیستم فقرزدایی ایالات متحده چندان موفق عمل نکرده است؟	۵۱
فصل ۵. چرا کانادا از فقر کمتری برخوردار است؟	۶۵
فصل ۶. نظام اعتقادی ایالات متحده در ارتباط با فقر و رفاه [ایالات متحده در قیاس با کانادا و اروپای غربی]	۷۳
فصل ۷. به‌سوی یک اقتصاد آپار تایدی؟	۸۳
فصل ۸. نابرابری فراگیر	۹۷
فصل ۹. اقتصادی برای همگان: شکست چرخه نابرابر فرصت‌ها	۱۰۵
فصل ۱۰. ارزش تطبیقی در کشورهای صنعتی	۱۱۷
فصل ۱۱. اقامتی موقت در سوئد	۱۲۵
فصل ۱۲. جامعه‌ای بسیار مسن [ژاپن]	۱۴۱
فصل ۱۳. یک وداع تدریجی	۱۴۵

بخش سوم: مسائل نهادی

فصل ۱۴. کشورهای اروپای شمالی: برنامه‌های دولتی برای مقابله با پیامدهای طلاق	۱۵۵
فصل ۱۵. اگر فرانسه موفق شده است، چرا ما نتوانیم؟ [مراقبت روزانه در فرانسه و ایالات متحده]	۱۶۳
فصل ۱۶. بهتر کردن مدارسمان [آنچه می‌توانیم از سایر جوامع بیاموزیم]	۱۶۹

فصل ۱۷ . آموزش معلم هایمان: درس هایی از خارج.....	۱۷۱
فصل ۱۸ . سازمان دهی مدارس به واحدهای کوچک تر: جایگزینی برای گروه بندی های همگن.....	۱۷۹
فصل ۱۹ . شغل در مقابل دستمزد: موازنه ای ساختگی [ایالات متحده در قیاس با کشورهای سوسیال دموکرات اروپایی]	۱۹۳
فصل ۲۰ . ژاپن جایی برای زندگی [چرا ژاپنی ها سیستم شغل مادام العمر خود را حفظ می کنند]	۲۰۱
فصل ۲۱ . ایجاد یک نیروی کار باهوش تر [درس هایی از ژاپن، آلمان، سوئد و دانمارک]	۲۰۹
فصل ۲۲ . سلامت و مراقبت های اولیه: یک مقایسه بین المللی.....	۲۲۱
فصل ۲۳ . آیا باید در کانادا به دنبال پاسخ بود؟.....	۲۳۱
بخش چهارم: مسائل مردم، منابع و امکانات	۲۴۳
فصل ۲۴ . هجوم آمریکایی ها به سوی حومه ها	۲۴۵
فصل ۲۵ . شهرهای زیست پذیر کانادا.....	۲۴۹
فصل ۲۶ . دست بلند خدا در مراکز شهرها: تصویری از توسعه اقتصادی کلیسای پایه [توسعه اقتصادی مبتنی بر تعاونی های اسپانیا]	۲۶۱
فصل ۲۷ . عبور و مرور: شهرهای اروپایی با احتساب مردم و محیط بازطراحی می شوند.....	۲۶۹
فصل ۲۸ . انقلاب سبز در ساخت و ساز [حکم آلمان برای فناوری های پاکیزه]	۲۷۵
فصل ۲۹ . تأخیر در فناوری ریلی [چشم انداز قطارهای سریع السیر]	۲۸۷
بخش پنجم: انحراف فردی	۲۹۵
فصل ۳۰ . مرز فرهنگی جرم و کیفر [ایالات متحده در مقایسه با ملل اروپایی]	۲۹۷
فصل ۳۱ . راز خیابان های امن ژاپن.....	۳۰۷
فصل ۳۲ . فقط بگو ایست! [مقایسه سیاست های مرتبط با مواد مخدر در آمستردام، لیورپول و لس آنجلس]	۳۱۷
فصل ۳۳ . نگاهی به سکوی صفر: هلند چگونه مسئله مواد مخدر را مدیریت می کند.....	۳۳۷

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی در حوزه فرهنگی و اجتماعی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی و ترجمه‌ای متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و

نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

پیشگفتار

این مجموعه، مطالعات ضمیمه‌ای است بر متونی که تاکنون در حوزه‌های مختلف مسائل اجتماعی ایالات متحده نگارش شده‌اند. هدف ما پُر کردن خلأهای مطالعات پیشین است؛ زیرا کتاب‌های مربوط به مسائل اجتماعی دارای دو نقص عمده هستند. یکی اینکه بیش‌ازحد لزوم بر جامعه ایالات متحده تمرکز دارند و دیگری اینکه زمان زیادی را صرف توصیف مسائل اجتماعی کرده و از ارائه سیاست‌هایی برای کاستن آن‌ها غافل شده‌اند. بنابراین کتاب حاضر به بررسی جوامع دیگر پرداخته و گزینه‌های موفقی در آن مطرح شده‌اند که می‌توانند در امحای مسائل اجتماعی دامن‌گیر ایالات متحده مؤثر باشند. این رویکرد بی‌نظیر دست‌کم به چهار دلیل بجا و مهم اتخاذ شده است:

مسائل اجتماعی در ایالات متحده در حال وخیم‌تر شدن هستند. برای اثبات این امر می‌توان به شواهدی اشاره کرد: تعداد افراد فقیر و نزدیک به خط فقر در حال افزایش است؛ شکاف نابرابری درآمدها وسیع‌تر شده؛ حوادث مرتبط به اختلافات نژادی رو به افزایش است؛ مراقبت‌های درمانی بر اساس توانایی افراد در پرداخت هزینه‌ها سهمیه‌بندی شده؛ لایه‌های داخلی شهرها بر مبنای مالیات‌های نامناسب است؛ بیکاری در حال فروپاشی جامعه است و محیط زیست رو به نابودی می‌رود؛ اما ایالات متحده به‌جای ارائه راهکارهایی برای حل این مسائل، همچنان از نردبان ماریچپی نزول می‌کند.

دانشجویان نظیر کارگران و مصرف‌کنندگان به شکل مبرمی از اقتصاد جهانی متأثرند و باید برای زندگی در یک محیط بین‌الملل آمادگی پیدا کنند؛ زیرا در دنیای پرچالش کنونی، وقایع

سیاسی سراسر این کره خاکی در ایالات متحده نقش ایفا می‌کنند و بر هزینه‌ها، مالیات‌ها، خط‌مشی‌های عمومی و استراتژی‌های نظامی اثر می‌گذارند. بنابراین توسعه آگاهی و تحلیل ما از سایر جوامع اهمیت می‌یابد تا بتوانیم شهروندانی مسئولیت‌پذیر برای ایالات متحده و همچنین سراسر جهان باشیم.

وضعیت سیاسی کنونی ما که تابع مواضع رأی‌دهندگان و مقامات دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه است، تمایل به تضعیف دولت شصت‌ساله رفاه دارد که با حمایت رئیس‌جمهور فرانکلین روزولت راه‌اندازی شد و از اجماع ایدئولوژیک برخوردار بود؛ یعنی کمک‌های مالی دولتی به جای حل مسائل اجتماعی، آن‌ها را تشدید می‌کنند. کسانی که قصد پیشرفت دارند، باید بر منابع و توانایی‌های خود تکیه داشته باشند و افرادی که با شکست مواجه می‌شوند، مقصرونند و طبیعی است که از پیامدهای آن رنج ببرند. اما سؤالات کلیدی‌ای که در اینجا مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از: آیا امحای دولت رفاه ایده درستی است؟ پیامدهای احتمالی آن چه خواهد بود؟ و به تبع آن مسائل اجتماعی وخیم‌تر خواهند شد یا از بین خواهند رفت؟

درنهایت، بررسی تطبیقی سیاست‌های عمومی مرتبط با مسائل اجتماعی نشان می‌دهد که چه اقداماتی و تحت چه موقعیت‌های اجتماعی‌ای مفید خواهند بود تا بتوانیم به سیاست‌های اجتماعی خلاقانه و عملی‌ای دست یابیم که مسائل اجتماعی را در ایالات متحده کاهش دهند یا ریشه‌کن کنند.

مقدمه مترجمان

کتاب حاضر مجموعه‌ای از مقاله‌هایی است که مسائل اجتماعی ایالات متحده را در حوزه‌های متفاوت و در مقایسه با سایر کشورهای همتای خود مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مقاله‌هایی که با اشاره به عملکرد موفق آن کشورها در برخورد، کاهش و امحای مسائل و معضلات اجتماعی، در پی یافتن راه‌حلی در جامعه خود هستند. مؤلفان ضمن اشاره به سیاست‌های اجتماعی‌ای که کشورهای توسعه‌یافته در حل مسائل اجتماعی اتخاذ کرده‌اند و بیان نقاط ضعف و قوت آن‌ها، به دنبال یافتن شیوه‌های مشابهی با توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی هستند.

کتاب به پنج بخش تقسیم شده است. در بخش اول ضمن مقایسه ایالات متحده با چند کشور توسعه‌یافته، به این موضوع می‌پردازد که چرا آمریکا از سیاست‌های موفقیت‌آمیز سایر ملل در حل مسائل اجتماعی خود استفاده نمی‌کند.

بخش دوم بر موضوع نابرابری‌های اجتماعی از جمله نابرابری‌ها در درآمد و شکاف‌های طبقاتی و نیز تبعیض‌های جنسیتی، سنی و نژادی در کشورهای توسعه‌یافته تأکید دارد و نشان می‌دهد که ایالات متحده در تمامی زمینه‌ها از تبعیض بالاتری برخوردار است؛ و دلایل نبود اراده سیاسی برای برطرف ساختن آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

بخش سوم مسائل اجتماعی مربوط به نهادها را مطرح می‌کند و به سیاست‌های متفاوت جوامع توسعه‌یافته در ارتباط با حوزه خانواده، حل پیامدهای طلاق، آموزش در مدارس و تعلیم نیروی انسانی می‌پردازد.

بخش چهارم به محیط‌زیست و شهرها می‌پردازد و در نهایت، در بخش پنج انحرافات جوامع از جمله اعتیاد و جرائم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است که تمام فصل‌های کتاب، به استثنای سه فصل که با زیست‌بوم فرهنگی کشور ما همخوانی نداشت، به‌طور کامل ترجمه شده و در اختیار خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفته است. همچنین در برخی موارد در متن اصلی کتاب، نویسندگان ارجاعاتی داشته‌اند که در بخش منابع پایانی به آن‌ها اشاره نشده و این یکی از محدودیت‌های کتاب حاضر است. در پایان مطالعه این کتاب را به دانشجویان، پژوهشگران، مدیران فرهنگی و سایر دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی و اجتماعی توصیه می‌کنیم و معتقدیم این کتاب می‌تواند به‌عنوان راهنمای عملی برای برخورد با مسائل اجتماعی کشور مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مترجمان از پیشنهادها، انتقادات و نکات اصلاحی خوانندگان گرامی که سبب بهبود کیفیت اثر حاضر خواهد شد، استقبال می‌کنند.

سید ضیاء هاشمی

معصومه ایزدبین

بخش اول: مقدمه

فصل ۱. بررسی مسائل اجتماعی ایالات متحده با رویکرد تطبیقی

استانلی آیتزن و کریگ لیدهام^۱

مسائل اجتماعی در ایالات متحده رو به افزایش است. در سال ۱۹۷۰، مارک میرینگوف^۲ از دانشگاه فوردهام^۳ برای ارزیابی مسائل اجتماعی آمریکا یک شاخص سلامت اجتماعی را طراحی کرد (میرینگوف و میرینگوف، ۱۹۹۵). این شاخص که به نوعی داو جونز^۴ مسائل اجتماعی تلقی می‌گردد، از امتیاز ترکیبی ۷۴ (از ۱۰۰ امتیاز) در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ در سال ۱۹۹۲ تنزل داشته است. در میان شاخص‌هایی که در بیست و دو سال فوق شاهد پیشرفت و بهبود آن‌ها بوده‌ایم، می‌توان به کاهش مرگ و میر نوزادان، تعداد افرادی که در سطح دبیرستان ترک تحصیل کرده‌اند و فقر افراد بالای شصت و پنج سال اشاره کرد. در مقابل، شاخص‌هایی همچون تعداد کودکان مستمند، متوسط درآمد هفتگی، پوشش بیمه سلامت و شکاف میان فقرا و ثروتمندان تنزل یافته‌اند. ایالات متحده نه تنها شاهد افزایش مسائل اجتماعی بوده است، بلکه در مقایسه با سایر ملل پیشرفته در سطح نازل تری باقی مانده است. در این نوشتار سه سؤال اساسی مطرح شده است: (۱) ایالات متحده در قیاس با سایر کشورهای صنعتی پیشرفته، از چه میزان مسائل اجتماعی برخوردار

1. Stanley Eitzen & Craig Leedham

2. Marc Miringoff

3. Fordham University

۴. Dow Jones: یک شاخص اقتصادی بازار آزاد است که توسط وال استریت ژورنال منتشر و تهیه می‌شود. این شاخص در تاریخ ۲۶ مه ۱۸۹۶ برای نخستین بار ارائه شد (مترجمان).

است؟ ۲) سیاست‌های اجتماعی اتخاذ شده در حل مسائل اجتماعی ایالات متحده، چه پیامدهایی داشته است؟ ۳) چرا ایالات متحده سیاست‌های عمومی که قابلیت خود را در کاهش یا رفع مسائل اجتماعی سایر کشورها به اثبات رسانده‌اند، در پیش نمی‌گیرد؟

ما نفر اول هستیم: ایالات متحده در قیاس با سایر کشورهای همسان، بالاترین رتبه را در مسائل اجتماعی داراست.

آمریکایی‌ها ملتی بی‌نهایت رقابت‌جو هستند. ما می‌خواهیم در همه چیز بهترین باشیم؛ پیروزی‌های المپیک، رکوردهای جهانی، سفرهای اکتشافی به ماه، استیلا بر اتم، یافتن درمانی برای ایدز و هر چیز دیگر. تاکنون در همه این زمینه‌ها و سایر رقابت‌ها به شکل بارزی موفق عمل کرده‌ایم؛ اما در یک ساحت دیگر نیز از سایر ملل مدرن پیشی گرفته‌ایم که برایمان افتخارآفرین نیست؛ ما تقریباً بالاترین رتبه تعداد مسائل اجتماعی را دارا هستیم. اندرو شاپیرو اطلاعاتی در مورد ۱۹ کشور صنعتی استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، هلند، نیوزیلند، نروژ، اسپانیا، سوئد، سوئیس، بریتانیا و ایالات متحده گردآوری کرده است (شاپیرو، ۱۹۹۲)؛ و در میان این کشورها، ایالات متحده از رتبه اول در ثروت، تعداد میلیاردرها، وسعت منازل، هزینه‌های دفاعی، حقوق مدیران، دستمزد پزشکان، تنوع نژادی، درصد جمعیت برخوردار از آب آشامیدنی تصفیه شده و درصد افراد ثبت نام شده برای تحصیلات عالی برخوردار است. با این وجود، هم‌زمان بالاترین رتبه را در تعداد شاخص‌های مسائل اجتماعی داراست: نرخ قتل، تجاوزهای گزارش شده، تعداد زندانیان، تعداد قربانیان رانندگی در حین مستی، استفاده از کوکائین، انتشار گازهای گلخانه‌ای، دخیل بودن در ایجاد باران‌های اسیدی، جنگل‌زدایی، سرانه تولید مواد زائد پرخطر، سرانه زباله، سرانه تعداد خودروها (و استفاده از خودروهای شخصی به جای وسایل نقلیه عمومی)، تعداد کودکان و سالمندان مستمند، تعداد بی‌خانمان‌ها، نابرابری توزیع ثروت، ورشکستگی بانک‌ها، کمک‌های نظامی به کشورهای در حال توسعه، طلاق، خانواده‌های تک‌والد، موارد گزارش شده ایدز، مرگ‌ومیر نوزادان، مرگ کودکان زیر پنج سال و بارداری نوجوانان. ایالات متحده در میان این کشورها در کمک به فقرا، واکسیناسیون کامل فلج اطفال، دی‌تی‌پی (دیفتری، تتانوس، پرتوسیس)، سرخچه پیش دبستانی‌ها، اعطای کمک‌های بشردوستانه به کشورهای در حال توسعه، مرخصی زایمان همراه با حقوق و درصد افراد تحت پوشش بیمه‌های درمانی جایگاه آخر را دارد؛ اما در نسبت تفاوت دستمزد زنان به مردان رتبه پانزدهم، امید به زندگانی رتبه پانزدهم و آموزش کودکان رتبه نهم را داراست. داده‌های دیگر نیز بر شدت مسائل اجتماعی ایالات متحده نسبت به هم‌تایانش اشاره دارند:

– در مقایسه با همتایان صنعتی خود، ایالات متحده شاهد بالاترین میزان فقر است، مستمندان آن بالاترین دوره‌های فقر را تجربه می‌کنند و کمترین مقدار تأمین مالی برای فقر در ایالات متحده دیده می‌شود (دانزیر و گوتشاک^۱، ۱۹۹۵؛ صندوق دفاع کودکان، ۱۹۹۶). افزون بر این، ایالات متحده بالاترین درصد کودکان مستمند را دارد (۲۲ درصد)؛ این نرخ سه تا پنج برابر نرخ کشورهای اروپای غربی است (دنیشن، ۱۹۹۶: ۷). در مطالعه‌ای دربارهٔ هجده کشور صنعتی، کودکان مستمند ایالات متحده رتبهٔ شانزدهم استانداردهای زندگی را داشته‌اند (رینواتر و اسمیدینگ^۲، ۱۹۹۵).

– ایالات متحده پیشرفته‌ترین نظام مراقبت‌های درمانی جهان را دارد و ۳۵ تا ۴۰ درصد بیش از سایر کشورهای صنعتی در این زمینه هزینه می‌پردازد؛ اما از آنجاکه این نظام مبتنی بر توانایی فرد در پرداخت هزینه‌هاست، تنها کشور صنعتی بدون نظام درمان همگانی به شمار می‌رود و دارای شاخص‌های پایین سلامت است. داده‌های سال ۱۹۹۲ نشان می‌دهند که ایالات متحده بیست و دومین رتبهٔ جهانی مرگ‌ومیر همگانی نوزادان را داراست (بالاترین میزان در بین کشورهای صنعتی). نرخ مرگ‌ومیر نوزادان آفریقایی تبار آمریکایی به‌تنهایی دو برابر متوسط ملی است (صندوق دفاع کودکان، ۱۹۹۴: ۱۴). ایالات متحده رتبهٔ اول تولد نوزادان با وزن پایین، مرگ‌ومیر کودکان قبل از پنج سال و پیش‌دستانی‌های واکسینه‌نشده را در میان کشورهای صنعتی داراست. ایالات متحده در شاخص امید به زندگی رتبهٔ پانزدهم را در بین کشورهای صنعتی دارد (شاپیرو، ۱۹۹۲: ۴).

– ایالات متحده بالاترین میزان توزیع ناعادلانهٔ ثروت و درآمد را در جهان صنعتی داراست (بردشر^۳، ۱۹۹۵).

– هیچ‌یک از کشورهای صنعتی اجازه نمی‌دهند مراکز شهری شان همچون مراکز شهری ایالات متحده دچار افول شود (ویلسون^۴، ۱۹۹۶: ۲۱۸). «در هیچ‌یک از شهرهای اروپایی شاهد چنین فقر متمرکز، جدایی میان اقوام و نژادها و گتوهای منزوی، به حال خود رها شده و تنزل یافته‌ای نیستیم که در شهرهای بزرگ ایالات متحده به کرات دیده می‌شوند (همان، ۱۴۹). در بسیاری از شهرهای ایالات متحده نرخ فقر کودکان بالای ۳۵ درصد و نرخ فقر کودکان سیاه‌پوست به‌طور ویژه بالای ۵۰ درصد است (ملت^۵، ۱۹۹۶).

– ایالات متحده در قیاس با هم‌گروهاننش بالاترین میزان جرم و مقادیر عدالت کیفری را داراست. ایالات متحده (۱) بالاترین تعداد قربانیان جرائم و (۲) بالاترین نرخ قتل را داراست (نرخ ۹/۴ در هر

1. Danziger & Gottschalk

2. Rainwater & Smeeding

3. Bradsher

4. Wilson

5. The Nation

صدهزار نفر در مقایسه با ۱/۳ در سوئد، ۱/۲ در آلمان، ۱/۱ در فرانسه). به عبارتی در قیاس نرخ قتل‌های صورت گرفته در سال ۱۹۹۴ در شهرهای بزرگ، شاهد عدد ۱/۵۷۲ قتل در نیویورک در مقابل ۱۶۹ قتل در لندن یا ۱۹۱ قتل در بالتیمور و ۴۷ قتل در آمستردام هستیم (مایر، ۱۹۹۵). به همین منوال، ایالات متحده: (۳) سرآمد قتل کودکان است و (۴) بالاترین رتبه تجاوزهای جنسی گزارش شده را دارد که تقریباً سه برابر تجاوزهای جنسی گزارش شده در سوئد است و در این زمینه در رتبه دوم کشورهای صنعتی قرار دارد (آسوشیتدپرس، ۱۹۹۵؛ همچنین: (۵) ایالات متحده نسبت به هر کشور صنعتی دیگری بالاترین درصد زندانیان را نسبت به جمعیت داراست (نرخ زندانیان ایالات متحده ۵۱۹ در هر صدهزار نفر در مقایسه با ۱۱۶ در کانادا، ۸۰ در آلمان و ۴۹ در هلند است) (مایرز، ۱۹۹۵).

– به طور کلی، ایالات متحده نسبت به سایر کشورهای پیشرفته درصد بالاتری از تولید ناخالص ملی خود را صرف آموزش و پرورش می‌کند؛ با این وجود هنگام تخصیص بودجه آموزش عمومی و خصوصی، در میان کشورهای صنعتی اولین رتبه پرداخت هزینه برای آموزش خصوصی اما رتبه هفدهم پرداخت هزینه در آموزش عمومی را داراست (شاپیرو، ۱۹۹۲: ۵۵).

– نتایج یک مطالعه تطبیقی درباره حمایت از کودک برای خانواده‌ها (نظیر مسکن، بهداشت، آموزش، هزینه‌های رفاهی و منافع مالیاتی) که در پانزده کشور اجرا شد، نشان‌دهنده آن بود که لوکزامبورگ، نروژ، فرانسه و بلژیک از سخاوتمندترین کشورها؛ دانمارک، آلمان، بریتانیا، استرالیا و هلند در میانه و پرتغال، ایتالیا، ایرلند، اسپانیا، یونان و ایالات متحده پایین‌ترین‌ها بوده‌اند (بردشا، و همکاران، ۱۹۹۳).

به معنای واقعی کلمه، مسائل اجتماعی ایالات متحده را می‌توان همچنان ادامه داد، اما برای اثبات نکته‌ای که در پی بیان آن بوده‌ایم، تا همین حد کافی است: و آن نکته این است که ایالات متحده در میان کشورهای صنعتی شاهد مسائل اجتماعی شدیدتری است. کشورهای ذکر شده دیگر نیز همچون ایالات متحده مدرن، مرفه، صنعتی، دموکراتیک و سرمایه‌دار هستند؛ پس چرا مسائل اجتماعی در آمریکا از چنین نرخ بالاتری برخوردار است؟ در ادامه، به این سؤال‌ها پاسخ خواهیم داد.

سیاست‌های اجتماعی ایالات متحده در حل مسائل اجتماعی چه پیامدهایی داشته است؟

این مبحث را با شرح تفاوت‌های میان ایالات متحده و سایر کشورهای پیشرفته در زمینه‌هایی آغاز می‌کنیم که می‌توانند بر شدت مسائل اجتماعی جوامع تأثیر بگذارند. یکی از بارزترین موارد که در اینجا می‌توان خاطر نشان ساخت، درصد بالاتری از تولید ناخالص ملی است که سایر کشورها نسبت به ایالات متحده به مخارج اجتماعی خود تخصیص می‌دهند.

1. Myers

2. Bradshaw

فصل ۱. بررسی مسائل اجتماعی ایالات متحده با رویکرد تطبیقی | ۱۳

ایالات متحده در مقایسه با سایر کشورهای همسان خود مقدار کمتری از تولید ناخالص ملی خود را برای تأمین اجتماعی و خدمات رفاهی (مسکن، بهداشت، مقرری خانواده به تک‌والدها) هزینه می‌کند؛ برای مثال، ۲۶/۶ درصد از بودجه ایالات متحده در مقایسه با ۵۲/۲ درصد سوئد (ادانل^۱ و همکاران، ۱۹۹۱).

کشورهای صنعتی پیشرفته سیاست‌های بهینه‌ای برای تأمین مالی مراقبت‌های بهداشتی تمامی شهروندان خود در پیش گرفته‌اند؛ درحالی‌که در ایالات متحده کارگرانی که بیمه درمانی ندارند (حدود یک‌چهارم)، از خدمات مدیکید^۲ محروم‌اند که مخصوص فقراست. حتی واجدان مدیکید نیز خدمات بهداشتی متناسب با تأمین نیازهای خود را دریافت نمی‌کنند. این بیمه برای پزشکان به همان اندازه بیمه سلامت خصوصی منفعت ندارد؛ از این‌رو، بسیاری از پزشکان از درمان بیماران فقیر سر باز می‌زنند.

سایر کشورهای صنعتی پیشرفته، نسبت به ایالات متحده، در زمینه کمک‌هزینه‌های خانواده، یارانه‌های مسکن، یارانه‌های عمومی مراقبت‌های کودک و مرخصی‌های باحقوق والدین حمایت‌های گسترده‌تری فراهم می‌سازند (گینزبورگ^۳، ۱۹۹۲). در ایالات متحده والدین شاغل برای مراقبت از کودکان از تخفیف‌های مالیاتی برخوردار می‌شوند که عایداتی همچون افزایش درآمد را به دنبال دارد و در نتیجه، والدین کم‌بضاعت منافع اندکی کسب می‌کنند؛ اما در کشورهای توسعه‌یافته دیگر، برنامه‌هایی همچون مرخصی‌های زایمان باحقوق به مادران و گاه حتی پدران تعلق می‌گیرد. در ایالات متحده قانونی که با مخالفت جمهوری خواهان تصویب شد، شرکت‌هایی را که بیش از پنجاه کارگر استخدام می‌کنند، ملزم به اعطای مرخصی زایمان بدون حقوق می‌سازد؛ اما کارگران تشکیلات اقتصادی کوچک‌تر حتی از چنین مزیت اندکی نیز محروم هستند و برخورداری از مرخصی‌های ذکر شده صرفاً به تصمیم کارفرما بستگی دارد. شیوه سازمان‌دهی آموزش عمومی در ایالات متحده با سایر کشورهای توسعه‌یافته متفاوت است. در ایالات متحده، آموزش و پرورش به صورت غیرمتمرکز است؛ و این در تضاد آشکار با سایر کشورهای صنعتی است که استانداردهای ملی بر آموزش آن‌ها حکم فرماست و مدارس به شکلی برابر بودجه دریافت می‌کنند. در ایالات متحده، ۱۵ هزار حوزه آموزشی مسئولیت قسمت اعظم برنامه‌ریزی‌های مالی و برنامه درسی مدارس محلی را به عهده دارند.

1. O'Donnell

۲. Medicare: برنامه بیمه دولتی برای افرادی از همه سنین که شهروند یا مقیم دائم آمریکا هستند و درآمد و منابع کافی برای پرداخت و مراقبت بهداشتی ندارند. این برنامه با آزمون توان مالی افراد، به‌طور مشترک توسط دولت‌های فدرال و ایالتی، تأمین بودجه و توسط ایالات مدیریت می‌شود. این برنامه معلولان، بزرگسالان کم‌درآمد و فرزندانشان را نیز پوشش می‌دهد (مترجمان).

3. Ginsburg

مهدکودک‌ها نیز در ایالات متحده نسبت به برنامه‌های جامع و فراگیر بسیاری از کشورهای پیشرفته به منابع مالی والدین متکی هستند؛ و برنامه‌های پیش‌دبستانی نیز برای محرومان ناکافی است و فقط حدود یک‌چهارم کسانی را پوشش می‌دهد که واجد شرایط دریافت برنامه‌هایی همچون هداستارت^۱ هستند. این درحالی است که ۱۰۰ درصد کودکان چهارساله فرانسوی و ۹۸ درصد کودکان بلژیکی و هلندی در برنامه‌های پیش‌دبستانی ثبت‌نام می‌کنند. در نتیجه چنین تفاوت‌هایی، در مقایسه با هم‌تایان خود، دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دبیرستان‌های ایالات متحده از نظر مهارت‌ها و شایستگی‌ها (که با سطح درآمد والدین و رفاه منطقه‌ای که مدرسه در آن واقع شده است، همبستگی دارد) بسیار متفاوت هستند.

در قیاس با ایالات متحده، آموزش عمومی در سایر کشورها جدی‌تر تلقی می‌شود، حقوق معلمان بالاتر و سال تحصیلی طولانی‌تر است و مبالغ بیشتری به آموزش عمومی و اعطای یارانه به فارغ‌التحصیلان مدارس واجد شرایط آموزش عالی تعلق می‌گیرد. همچنین تفاوت مزایای کارگران ایالات متحده در قیاس با سایر کشورهای صنعتی چشمگیر است. برای مثال به دستمزدها نگاهی بیندازید.

مزایای کامل - دستمزد، منافع بهداشتی، تعطیلات - یک کارگر کارخانه در ایالات متحده از اواسط دهه ۱۹۷۰ ثابت مانده یا کاهش یافته؛ درحالی که برای کارگر اروپایی با شغلی مشابه، این مزایا ۴۰ درصد افزایش داشته است. مزایای متوسط کارگر کارخانه در ایالات متحده ۱۶ دلار در ساعت و در آلمان ۲۶ دلار در ساعت است. در دهه ۸۰، دستمزد کارگران کم‌درآمد ایالات متحده که تحصیلات دانشگاهی نداشته‌اند، با در نظر گرفتن تورم ۱۵ درصد کاهش داشته است؛ درحالی که کارگران مشابه اروپایی ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش دستمزد داشته‌اند (ویلسون، ۱۹۹۶: ۱۵۴).

در بیشتر این جوامع، قانون ملی برخورداری کارگران از منافع همچون شغل‌های تمام‌وقت با امنیت بالا، تعطیلات همراه با حقوق، حداقل دستمزد مناسب و مزایای بیکاری سخاوتمندانه‌ای (در برخی از این جوامع حدود ۱۰۰۰ دلار در ماه بدون محدودیت زمانی) ارائه می‌شود؛ اما در ایالات متحده امنیت شغلی اندک است و تعطیلات همراه با حقوق، همگانی نیست و به مقام و جایگاه شغلی بستگی دارد و همچنین مزایای بیکاری ناچیز است و فقط مدت کوتاهی پرداخت می‌شود. افزون بر این، بیش از دوازده میلیون کارگر برای دستمزدی پایین تلاش می‌کنند، درحالی که تحت پوشش بیمه درمانی یا برنامه‌های بازنشستگی نیستند؛ و حدود یک‌چهارم نیروی کار موقت، نیمه‌موقت و پیمانی وابسته هستند که در قبال دستمزدهای پایین و بدون

۱. Head Start، برنامه دپارتمان خدمات و سلامت ایالات متحده که از سال ۱۹۶۵ خدمات مرتبط با آموزش، بهداشت و تغذیه کودکان کم‌درآمد و خانواده‌های آن‌ها را پوشش می‌دهد (مترجمان).

مزایای بازنشستگی یا بهداشتی کار می‌کنند و از هیچ یا اندکی حمایت قانونی برای بهداشت و امنیت کار برخوردار هستند (سوئینی^۱، ۱۹۹۶: ۳۴-۳۶).

بی‌تردید مهم‌تر از همه آنکه شکاف میان پردرآمدترین و کم‌درآمدترین مشاغل (که تحت عنوان نابرابری درآمدی شناخته شده است) در سایر جوامع صنعتی از ایالات متحده کمتر است؛ و مقایسه دریافتی مدیرعامل یک شرکت و دستمزد کارگر کارخانه در کشورهای مختلف اعداد متفاوتی را نشان می‌دهد (۱۶ به ۱ در ژاپن، ۲۱ به ۱ در آلمان، ۲۵ به ۱ در بریتانیا و ۱۲۰ به ۱ در ایالات متحده). در واقع، با در نظر گرفتن این موضوع که مدیران در سایر کشورها برای دریافتی‌های پایین‌تر، مالیات‌های بالاتر از مدیران ایالات متحده پرداخت می‌کنند و کارگران سایر کشورها از مزایای غیرپولی بیشتری همچون مراقبت‌های درمانی همگانی و یارانه‌های مراقبت کودک برخوردارند، متوجه می‌شویم که این نابرابری درآمدها در ایالات متحده حتی بیش از آن است که این اعداد نشان می‌دهند (فیشر^۲ و همکاران، ۱۹۹۶: ۱۰۲-۱۲۲).

نابرابری ثروت نیز در ایالات متحده شیب بسیار تندتری در قیاس با کشورهای همسان خود دارد. برای مثال در سال ۱۹۹۰، یک درصد بالای ثروتمندترین خانواده‌های ایالات متحده حدود ۴۰ درصد دارایی کل خانوارها و بیش از ۹۰ درصد دارایی خانوارهای پایین را در اختیار داشته‌اند (بیش از هر ملت پیشرفته دیگری)؛ درحالی‌که در کانادا این عدد ۲۵ درصد و در بریتانیا ۱۸ درصد بوده است (همان، ۱۲۴-۱۲۵).

شواهد نشان می‌دهند که در اوایل قرن [بیستم] و زمانی که طبقه بالا در اروپا کنترل ثروت را در اختیار خود گرفته بود (اولین داده‌ها از سال‌های ۱۹۲۰ موجود است)، نابرابری ثروت در ایالات متحده بسیار پایین‌تر از بریتانیا و بیشتر قابل قیاس با سوئد بوده و آمریکا سرزمین فرصت‌ها تلقی می‌شده است؛ اما در اواخر دهه ۸۰، این جریان وارونه شده و تمرکز ثروت در ایالات متحده از اروپا بسیار پیشی گرفته است؛ و به نظر می‌رسد که اروپا به سمت استقرار برابری پیش رفته است (ولف^۳، ۱۹۹۵: ۲۱).

چنان‌که می‌بینیم، سیاست‌ها در ایالات متحده در ارتباط با شهروندان بسیار متفاوت‌تر از سایر ملل پیشرفته عمل می‌کنند؛ و ملل دیگر نسبت به شهروندان خود سخاوتمندترند و با حمایت‌های اجتماعی خود فرصت‌های برابر را تقویت می‌کنند و نیازهای پایه همچون حفظ درآمد، مسکن، امنیت شغلی و مراقبت‌های بهداشتی را فراهم می‌سازند. دوباره تأکید می‌شود که سایر جوامع توسعه‌یافته برنامه‌های بسیار جامع‌تری برای کاهش محرومیت‌های اقتصادی و عدم امنیت در

1. Sweeney

2. Fischer

3. Wolff

پیش گرفته‌اند و محدود اعتبارات مالی حمایتی در ایالات متحده اکنون آماج حملات شدید است. نکته طعنه‌آمیز ماجرا این است که همان‌گونه که جمیز کارویل^۱ گفته است: «در میان کشورهای صنعتی، ماب‌بی‌مایه‌ترین و تأسف‌برانگیزترین شبکه ایمنی اجتماعی را دارا هستیم. باین وجود، جمهوری خواهانی که کنگره را با کمک دموکرات‌های جدید، از جمله رئیس‌جمهور کلینتون، کنترل می‌کنند، کمک به خانواده‌های کودکان وابسته را تقلیل داده، از مزایای رفاهی کاسته و اجرای برنامه‌ها را به ایالات واگذار کرده‌اند. برنامه‌های کمک مواد غذایی، خدمات قانونی به فقرا، یارانه‌های مسکن و برنامه‌های غذایی مدارس تضعیف شده‌اند و در سایه تهدید به کاهش بیشتر یا حذف کامل به سر می‌برند» (کارویل، ۱۹۹۶: ۲۶).

ایدئولوژی غالب دو پیش‌فرض مسلم دارد. اول اینکه توزیع نابرابر پاداش‌های اقتصادی ارتباطی به دولت ندارد و ارزش زیادی که آمریکایی‌ها برای فردگرایی و اقتصاد بازار قائل‌اند، پیامد مشخص نابرابری را که امری مثبت تلقی می‌شود، به همراه دارد. استدلال آن‌ها این است که با این شیوه و سامانه مردم برای رقابت تحریک و در نتیجه فقرها ریشه‌کن می‌شوند؛ و رنج‌هایی که هرروزه در اطراف خود شاهد هستیم، برخاسته از معضلات جامعه نیستند، بلکه نتیجه اعمال خود بازندگان اجتماعی هستند.

دومین پیش‌فرض مرام محافظه‌کارانه کنونی این است که تلاش دولت در امحای فقر و نابرابری، در واقع موجب تقویت آن‌ها می‌شود. از این دیدگاه، وابستگی رفاهی منشأ فقر، تولد کودکان نامشروع، تنبلی، جنایت، بیکاری و سایر آسیب‌های اجتماعی است. آن‌ها با چارلز ماری^۲ موافق‌اند که «مردم اراده و مهارت‌های خود را برای بقا، صرفاً هنگامی ارتقا می‌دهند که با دنیایی بی‌ثبات و در حال فروپاشی مواجه باشند» (ماری، ۱۹۸۴).

پذیرش این پیش‌فرض‌ها به وضوح این نتیجه‌گیری را در پی خواهد داشت که بهتر است خدمات رفاهی را هرچه سریع‌تر معدوم سازیم؛ اما پرسش‌هایی در این مورد مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه: آیا نابودی خدمات رفاه اجتماعی مفید خواهد بود یا آشفتگی بیشتر ایجاد خواهد کرد؟ برای جامعه، امنیت بیشتر به ارمان خواهد آورد یا خطرهای فراوان‌تر؟ میزان آشفتگی افزایش نخواهد یافت؟ نرخ جنایت و تعداد حاشیه‌نشین‌ها رو به افزایش خواهد رفت یا کاهش؟ بنا به باور ما، پاسخ این پرسش‌ها روشن است؛ وضعیت اجتماعی بدتر خواهد شد نه بهتر، تعداد حاشیه‌نشین‌ها افزایش خواهد یافت، نرخ جنایت بالاتر می‌رود و حفظ امنیت اجتماعی به مسئله بغرنج‌تری تبدیل خواهد شد.

یکی از پیامدهای این سیاست، تشدید نابرابری ثروت و درآمد خواهد بود که به نوبه خود بر

1. James Carville

2. Charles Murray

دموکراسی، جنایت و ناآرامی شهری تأثیر خواهد گذاشت. لستر تارو^۱ به عنوان یک اقتصاددان این سؤال را مطرح می کند که یک دموکراسی چه مقدار نابرابری را می تواند تاب بیاورد؟ شکاف درآمد در آمریکا قراردادهای اجتماعی را تضعیف می سازد و اگر ارائه استانداردهای بالاتر زندگی به عده ای در رأس محدود شود، بنا به شواهد تاریخی، سایر شهروندان احتمالاً نارضی یا حتی بدتر از آن خواهند شد (۱۹۹۵: ۷۸). استنباط تد گیلتن به عنوان یک جامعه شناس از تاریخ چنین است: «رشد نابرابری باعث کاهش انسجام اجتماعی می شود» (۱۹۹۵: ۲۲۵).

زندگی در ایالات متحده، نسبت به ملل مرفه سخاوتمندتر، آستان خطرهای بیشتری است. جرم شناسان نشان داده اند که فقر، بیکاری و نابرابری عمده ترین دلایل جرائم خیابانی هستند (دکزدی و اشوارتز^۲، ۱۹۹۶). همان گونه که پیش از این نشان دادیم، نرخ جنایت (برای مثال دزدی، قتل و تجاوز) در ایالات متحده بسیار بالاتر از سایر ملل صنعتی است.

در کشورهای سوسیال دموکرات خدمات سخاوتمندانه رفاهی با مالیات های بر درآمد، ارث و فروش که به طور مشخص بالاتر از ایالات متحده هستند، تأمین بودجه می شوند. برای مثال در سال ۱۹۹۱، گنجایش مالیات کل (به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی کشور) در ایالات متحده ۲۹/۸ درصد بود؛ در قیاس با ۳۷/۳ درصد کانادا، ۳۹/۲ درصد آلمان، ۴۴/۲ درصد فرانسه و ۵۶ درصد در سوئد (استینمو^۳، ۱۹۹۳). ارزیابی ها نشان می دهند که کشورهای توسعه یافته دیگر از نظام مراقبت بهداشت همگانی برخوردارند، مستمندان از مستمری و پرستار برای مراقبت های خانگی بهره مند هستند، مرخصی های زایمان به خانواده ها تعلق می گیرد، دستمزد مناسب و امنیت نسبی برای مشاغل فراهم است و از همه مهم تر فقر به ندرت دیده می شود، جرم های خیابانی نرخ نازلی دارند و مردم در قبال جرم، بیماری، سالخوردگی و نبود درآمد احساس امنیت نسبی می کنند.

در تضادی آشکار، ایالات متحده بالاترین نرخ کنونی فقر را در میان کشورهای صنعتی داراست، ارتباط میان طبقات مختلف اجتماعی رو به کاهش است، شاهد تقسیم بندی روزافزون نژادی هستیم و با سرعتی هشدار دهنده به سوی یک جامعه دولایه در حرکتیم. پیامدهای یک چنین جامعه بی نهایت افراطی در توصیف جیمز کارویل به خوبی بیان شده اند:

اگر به شما یک میلیون دلار داده شود، کجا را برای زندگی برمی گزینید؛ سوئیس یا فیلیپین؟ تمامی هزینه های اضافه، مالی و غیره را در نظر بگیرید. اگر شما کشوری مانند فیلیپین با سطح بالای نابرابری اجتماعی را انتخاب کنید، مالیات کمتری می پردازید؛ اما مجبور خواهید بود در نواحی کوچک تحت مراقبت تردد کنید، نگهبان

1. Lester Thurow

2. DeKeseredy & Schwartz

3. Steinmo

و مراقب خصوصی داشته باشید، فقط در کلوپ‌های خصوصی معاشرت و از سواحل و پارک‌های خصوصی دیدن کنید، کودکان شما به مدارس خصوصی خواهند رفت و فقط در کتابخانه‌های خصوصی مطالعه خواهند کرد» (کارویل، ۱۹۹۶: ۸۷).

ایالات متحده، فیلیپین نیست؛ اما هم‌زمان با افزایش چشمگیر مدارس خصوصی و خانگی، کلوپ‌های تفریحی خصوصی و مناطق حفاظت‌شده، شاهد شکل‌گیری مدارس بی‌کیفیت‌ترین فقرا به‌خصوص فقرای اقلیت نژادی- هستیم. با بالا رفتن نرخ جنایت‌های خشونت‌آمیز میان جوان‌ها، امنیت فردی هر روز مسئله‌سازتر می‌شود و در نهایت، دموکراسی رو به افول می‌رود و افراد بیشتری از شرکت در انتخابات سر‌بازمی‌زنند (در سال ۱۹۹۴، فقط ۳۸ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند و رأی دادند)؛ زیرا افزون بر سایر مسائل ذکرشده، باید خاطر نشان ساخت که ایالات متحده پایین‌ترین میزان مشارکت در انتخابات را در میان کشورهای صنعتی داراست؛ و دلیل آن را احتمالاً باید در بیگانگی اجتماعی و عدم باور به تأثیرگذاری رأی‌هایشان جست‌وجو کرد. به‌طور خلاصه، با مطالعه‌ای تطبیقی میان سیاست‌های ایالات متحده و کشورهای مرفه سخاوتمند دیگر به نتیجه زیر می‌رسیم:

ما با مسئولیت خود فقر، نابرابری ثروت و نظام مراقبت‌های بهداشتی همگانی را نادیده گرفته‌ایم؛ و اگر ایالات متحده همچنان این تعداد بالای مسائل اجتماعی را نادیده بگیرد و به تقلیل و حذف برنامه‌های در دستور کار خود ادامه دهد، آمریکاییان امنیت کمتری را تجربه خواهند کرد و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتری برای کنترل افرادی صرف خواهد شد که مسئله‌ساز تلقی می‌شوند.

موانعی که بر سر راه اتخاذ یک سیاست رفاهی سخاوتمندانه در ایالات متحده وجود دارند

اگر سیاست‌های اجتماعی سایر جوامع پیشرفته در کاهش مسائل اجتماعی آن‌ها مؤثر بوده‌اند، چرا ایالات متحده سیاست‌های مشابهی اتخاذ نمی‌کند و یا همان سیاست‌ها را پس از جرح و تعدیل در سیاست‌های خود نمی‌گنجانند؟ در اینجا موانع درخور توجهی وجود دارند که چنین تغییرات اجتماعی را بسیار مشکل می‌سازند.

ابتدا آنکه فردگرایی رقابتی، پایه اعتقادات ایالات متحده است و آمریکایی‌ها حقوق فردی را تجلیل و تأیید می‌کنند. سیمور مارتین لپست^۱ می‌گوید:

شهروندان ایالات متحده مجبورند خودشان به دنبال کسب حقوقشان باشند و در حراست از آن بکوشند. تأکید بی‌همتایی که در اینجا نسبت به اروپا بر قانون می‌شود، برگرفته از قانون اساسی و مدنی است؛ و [این قانون] حقوق مردم را امری بی‌ربط به دولت و سایر قدرت‌ها

1. Seymour Martin Lipset

فصل ۱. بررسی مسائل اجتماعی ایالات متحده با رویکرد تطبیقی | ۱۹

می‌داند. آمریکا به‌عنوان کشوری بسیار مخالف دخالت در امور شخصی، قانونمندترین و راست‌گراترین دولت شکل‌گرفته و به‌همین منوال پیش‌رفته است (لیپست، ۱۹۹۶: ۲۰).

پیامدهای ارزش بالایی که شهروندان ایالات متحده برای فردگرایی قائل‌اند، همگی متضاد مصالح‌جمعی است. ابتدا تجلیلی که از فرد به عمل می‌آید، مغایر با عملکرد در راستای اهداف گروهی است. آمریکایی‌ها به‌خودی‌خود تمایلی به پرداخت مالیات به نفع سایرین ندارند؛ و بررسی نگرش‌ها نشان داد که شهروندان آمریکایی کمتر از اروپایی‌ها و کانادایی‌ها به اقداماتی در جهت کمک به محرومان بها می‌دهند (لیپست، ۱۹۹۶: ۱۴۵). دوم اینکه دخالت‌های دولتی در زندگی‌های شخصی یا مدارس ملی مورد مخالفت قرار می‌گیرد؛ و مورد سوم مقاومت در برابر تلاش‌هایی است که حقوق خاصی را برای گروه‌هایی با موقعیت‌های خاص مقرر می‌کنند (برای مثال عملکردهایی بر پایه نژاد یا جنسیت). چهارمین مورد، دیدگاه خصمانه مردم آمریکا با اعطای یارانه‌های دولتی به کسانی است که نالایق تلقی می‌شوند؛ و در نهایت، تأکید قوی بر شایسته‌سالاری رقابتی بدین معناست که افراد به دلیل وجود یا نبود مهارت‌ها، کوشش و انگیزه‌های خود برخوردار یا محروم هستند؛ بنابراین مرفهان کامیاب و فقرا منفور می‌شوند.

مانع دیگر برای اتخاذ سیاست‌های دولتی رفاهی، در ذات خود سیاست نهفته است و قبل از هر چیز، اکثریت قانونگذاران ایالتی یا فدرال را محافظه‌کاران سیاسی تشکیل می‌دهند که به کاهش یا حذف خدمات رفاهی تمایل دارند و نه گسترش آن. گفتمان‌های سیاسی در این گردهمایی‌ها متشکل از راست‌گراها یا میانه‌روهاست و به‌ندرت چپ‌ها نقشی در این میان دارند. از آنجا که جمعیت ایالات متحده رو به پیری می‌رود (متولدان بعد از جنگ جهانی دوم زمانی که آمریکا بالاترین میزان زاد و ولد را داشت - اکنون پنجاه ساله شده‌اند) و ایالات آفتابی^۱ همچنان به شکل نامتناسبی جمعیت را به خود جذب می‌کنند، این تمایل به انتخاب سیاست‌مداران میانه‌رو و راست‌گرا افزایش می‌یابد. افزون بر این، افراد ثروتمند و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ که تأمین مالی احزاب بزرگ را به عهده دارند، خود خواهان مالیات‌های اندک و تقلیل خدمات اجتماعی هستند. از نظر ساختاری نیز سیستم دوحزبی رایج در ایالات متحده شکل‌گیری هر حزب سومی را به‌عنوان گزینه‌ای پایدار مشکل می‌سازد.

یکی از شرط‌های لازم برای شکل‌گیری یک دولت رفاه سخاوتمند حضور یک نیروی کار متحد است. اتحادیه‌هایی قدرتمند شبیه به آنچه در کانادا و دولت‌های رفاه اروپا شاهد هستیم، می‌توانند تمامی نیروهای مشترک خود را برای حمایت از منافع طبقه کارگر به‌استخدام گیرند؛

۱. Sun Belt: مناطقی از ایالات متحده که عموماً در سراسر جنوب شرقی و جنوب غربی هستند؛ زمستان ملایم و آفتابی دارند؛ و بخش‌هایی از ایالات کالیفرنیا، نوادا، آریزونا، نیومکزیکو، تگزاس، فلوریدا، جورجیا، کارولینای جنوبی، کارولینای شمالی، لوئیزیانا، می‌سی‌سی‌پی، آلاباما و تنسی را شامل می‌شوند (مترجمان).

و اتحادیه‌های کارگری برای تأمین اجتماعی، مدیکیر^۱، مدیکید، رهن‌های اداره مسکن آمریکا، لایحه جی‌آی^۲، وضع حقوق مدنی، تعیین حقوق رأی، وام‌های دانشجویی و افزایش حداقل دستمزد در ایالات متحده مبارزه کنند. در گذشته، اتحادیه‌های ایالات متحده یک نیروی قوی برای حراست از امنیت اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شدند؛ اما این قدرت به چهل سال پیش بازمی‌گردد. در اواسط دهه پنجاه قرن گذشته، ۳۵ درصد از کل کارگران آمریکایی و ۸۰ تا ۹۰ درصد از صنایع بزرگ نظیر خودرو، استیل و معادن زغال‌سنگ عضو اتحادیه‌ها بودند؛ اما در اواسط دهه هفتاد، این عدد به ۲۸ درصد تقلیل یافت؛ و اکنون ۱۵ درصد از کل نیروی کار و صرفاً ۱۱ درصد از صنعت خصوصی عضو اتحادیه‌ها هستند (سوئینی، ۱۹۹۶). اتحادیه‌های ضعیف توانایی عرض‌انداز در برابر منافع تجاری قدرتمند را ندارند و در نتیجه، تلاش برای بسط دولت رفاه در ایالات متحده راه به‌جایی نمی‌برد؛ و با غیاب حضور کارگران در صحنه قدرت، خست‌فزاینده‌ای را در سیاست‌های عمومی تجربه خواهیم کرد (همان، ۷).

نتیجه‌گیری

سیستم اقتصادی-اجتماعی-سیاسی جامعه به‌سادگی از رویدادهایی تصادفی و گزینه‌های بی‌هدف شکل نمی‌گیرد و قدرتمندان جوامع برای نیل به اهدافی معین در زمینه حوادث تاریخی، محدودیت‌های بودجه‌گذاری و نظایر آن، سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کنند. فیشر و همکاران در ارتباط با نابرابری چنین می‌گویند:

پاسخ این سؤال که چرا جوامع ساختار پاداشی متفاوتی دارند، کاملاً سیاسی است. جوامع برای انجام [دادن] اقدامات عمده، طول و عرض نردبان خود را برمی‌گزینند. با سیاست‌گذاری در زمینه آزاد ساختن یا تنظیم بازار، ارائه خدمات به شهروندان یا سهمیه‌بندی آن‌ها براساس درآمد، تأمین مالی گروهی بیش از سایرین، آن‌ها نردبان‌های خود را برپا و برای اطمینان بیشتر، با قیود خارجی و تاریخی آزادی کامل عملکرد را، به‌جز در یک زمینه، سلب می‌کنند. در دموکراسی این امر بی‌شک منجر به نابرابری می‌شود. آمریکایی‌ها در نتیجه سیاست کشور خود یا حداقل آنچه نمایندگانشان برمی‌گزینند، نابرابری را در ابعادی گسترده شکل می‌دهند. ما جامعه‌ای به‌وضوح نابرابر داریم. در قیاس با استانداردهای دموکراسی‌های مرفه و حتی تاریخ معاصر خود آمریکا، نردبان ما به‌شکل نامعمول بلند و باریک است و بلندتر و باریک‌تر هم خواهد

۱. Medicare: برنامه ملی بیمه اجتماعی ایالات متحده است که افراد بالای ۶۵ سال یا افراد جوان‌تری را دربرمی‌گیرد که دارای ناتوانی خاص یا نیازمند دیالیز هستند. این برنامه از سال ۱۹۶۵ توسط دولت فدرال مدیریت می‌شود (مترجمان).

۲. GI Bill: این لایحه در سال ۱۹۴۴ برای حمایت مالی از سربازانی تعبیه شد که خواهان تحصیلات در کالج بودند (مترجمان).

فصل ۱. بررسی مسائل اجتماعی ایالات متحده با رویکرد تطبیقی | ۲۱

شد (فیشر و همکاران، ۱۹۹۶: ۸). به بیانی دیگر، شکاف نابرابری در ایالات متحده
عامدانه است (همان، ۱۲۵).

سیستم اجتماعی با طراحی، هدف گذاری و تعیین ابزار نیل به اهداف تعیین می شود. آیا ما همچون سایر دولت های پیشرفته قصد تنظیم و حمایت از خدمات رفاه را داریم یا باید از آن ها عقب بمانیم؟ آیا باید سیاست ها و برنامه هایی در جهت حمایت از شهروندان در برابر فقر، بیکاری و هزینه های بالای مراقبت های درمانی در پیش بگیریم یا بگذاریم اقتصاد بازار مردم را بر اساس مهارت ها و تلاش هایشان به برندگان، بازیکنان و بازندگان تقسیم بندی کنند؟ تصمیم گیرندگان در ایالات متحده کوچک سازی خدمات رفاهی را برمی گزینند؛ آیا عملکرد آن ها صحیح است؟ آیا نمی توانیم اقدامات لیبرال دموکرات ها را جرح و تعدیل کنیم و آنگاه آن ها را برای کاهش مسائل اجتماعی به کارگیریم؟ اگر جوامع به راستی قابل طراحی هستند، آیا لازم نیست ایالات متحده در طرح خود تجدیدنظر کند؟

منابع

- Associated Press. 1995. "U.S. Women at Higher Risk of Rape than European Women." (December 13).
- Bradshaw, J, J. Ditch, H. Holmes, and P. Whiteford. 1993. "A Comparative Study of Child Support in Fifteen Countries." *Journal of European Social Policy* 3(4), pp. 255-271.
- Bradsher, Keith. 1995. "Widest Gap in Incomes? Research Points to the U.S." *New York Times* (August 27), pp. 1,10.
- Carville, James. 1996. *We're Right, They're Wrong: A Handbook for Spirited Progressives*. New York: Random House.
- Children's Defense Fund. 1994. *The State of America's Children Yearbook 1994*. Washington, D.C. Children's Defense Fund.
- Children's Defense Fund. 1996. *The State of America's Children Yearbook 1996*. Washington, D.C. Children's Defense Fund.
- Danziger, Sheldon, and Peter Gottschalk. 1995. *America Unequal*. New York: Russell Sage Foundation.
- DeKeseredy, Walter S, and Martin D. Schwartz. 1996. *Contemporary Criminology*. Belmont, CA: Wadsworth.
- Fischer, Claude S, Michael Hout, Martin Sanchez Jankowski, Samuel R. Lucas, Ann Swidler, and Kim Voss. 1996. *Inequality by Design: Cracking the Bell Curve Myth*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Ginsburg, Norman. 1992. *Divisions of Welfare: A Critical Introduction to Comparative Social Policy*. Newbury Park, CA: Sage.
- Gitlin, Todd. 1995. *The Twilight of Common Dreams*. New York: Henry Holt.
- Lipset, Seymour Martin. 1996. *American Exceptionalism: A Double-Edged Sword*. New York: W. W. Norton.
- Miringoff, Marc and Marque-Luisa Miringoff. 1995. "America's Social Health: The Nation's Need to know." *Challenge* 38 (September/October), pp. 19-24.
- Murray, Charles. 1984. *Losing Ground: American Social Policy 1950-1980*. New York: Basic Books.
- Myers, Linnet. 1995a. "Cultural Divide Over Crime and Punishment." *Chicago Tribune* (October 13), pp. 1, 8.
- Myers, Linnet. 1995b. "Europe Finds U.S. Drug War Lacking in Results." *Chicago Tribune* (November 2), pp. 1, 24-25.
- The Nation. 1996. "State of the Children." *The Nation* (June 17), p. 7.
- O'Donnell, Timothy S, Amanda P. Lambert, Maureen P. Garelick, and Beth Browning (eds). 1991. *World Quality of Life Indicators*, 2nd ed. Santa Barbara, CA: ABC-CLIO.
- Rainwater, Lee, and Timothy Smeeding. 1995. *Doing Poorly: The Real Income of American Children in Comparative Perspective*, Luxembourg Income Study Working Paper Number 127 (August).
- Shapiro, Andrew L. 1992. *We're Number One! Where America Stands-and Falls-in the New World Order*. New York: Random House Vintage Books.

فصل ۱. بررسی مسائل اجتماعی ایالات متحده با رویکرد تطبیقی | ۲۳

Steinmo, Sven. 1993. "So, How High Are Taxes?" Denver Post (March 13), p. D1.

Sweeney, John J. with David Kusnet. 1996. America Needs a Raise. Boston: Houghton Mifflin.

Thurow, Lester. 1995. "Why Their World Might Crumble." New York Times Magazine (November, 19) pp. 78-79.

Wilson, William Julius. 1996. When Work Disappears: The World of the New Urban Poor. New York: Alfred A. Knopf.

Wolff, Edward N. 1995. Top Heavy: A Study of the Increasing Inequality of Wealth in America. New York: The Twentieth Century Fund Press.